



■ سال پانزدهم
■ شماره ۱۷۰
■ تیر ۱۴۰۴

اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری

در سالروز تأسیس سازمان
تأمین اجتماعی، آمدم که
نشان دهیم به دنبال احقاق
حق خود هستیم و نخواهیم
گذاشت بانک رفاه غصب شود



نشریه داخلی اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری

سال پانزدهم | شماره ۱۷۰ | تیر ۱۴۰۴

حسن صادقی:

تاخیر در پرداخت معوقات فروردین به خاطر فقدان بانک رفاه است بدهی دولت به تأمین اجتماعی از یک تریلیون تومان گذشت

دکتر علی حیدری: بزرگ‌ترین دلیل ناترازی سازمان، عدم پرداخت بدهی دولت به تأمین اجتماعی است



آمده‌ایم تا احقاق حق کنیم

صفحه ۲

علیرضا محبوب

ما باید توانایی‌های بالقوه
تشکلات کارگری را به توانایی‌های
بالفعل تبدیل کنیم

صفحه ۳

دکتر علی حیدری:

اگر سازمان مجبور شود در چنین
بازار آشفته‌ای سهام خود را
واگذار کند، دچار زیان مضاعف
خواهد شد

صفحه ۴

توصیه‌های طلایی

آقای دکتر جمالیان، ریاست محترم
بیمارستان شهیدلواسانی،
برای حفظ سلامتی

صفحه ۵

امان و صد امان از چهل مرکبی که جامه
قداست به تن کرده!!!
شمر و اطاعت کورکورانه‌اش از
یزید به عنوان ولی امر و خلیفه
مسلمین!

صفحه ۶

چگونه تبدیل به همان آدمی
شویم که دوست داریم؟

صفحه ۷

دکتر علی حیدری:

دلیل ناترازی سازمان تأمین اجتماعی
عوامل مختلفی هستند که مهمترین آنها
عدم پرداخت بدهی دولت
به سازمان است

سید مجتبی قریبشیان

به قلم سردبیر

نگاه اول

از هر طرف که رفته‌م جز حیرت نمی‌فروزد!!!!



براین زخم مرهم نهید:
مخاطب نمایندگان مجلس شورای اسلامی هستند که با تصویب قانونی رای به واگذاری
بانک رفاه دادند، و با این مصوبه، زخمی کاری و عمیق بر پیکر سازمان تأمین اجتماعی
و کارگران و بازنشسته‌های از رفق افتاده وارد کردند. سخت درحیرتم، چون هرچه که
درکمال آرامش و بدور از تعصب، بیشتر کنکاش میکنم و از صاحب نظران و مطلعین پرس
و جو میکنم تا بتوانم معنی این مصوبه غیر شرعی نمایندگان را درک کنم، که این مصوبه
از چه منطقی عقلایی و حق شرعی پیروی میکند راه به جایی نمی‌برم و یاد این شاه بیت
سروده حافظ می‌افتم.
از هر طرف که رفته‌م جز وحشت نمی‌فروزد زنهار از این بیابان وین راه بی نهایت
کارگران و بازنشستگان تمام قد و با همه وجود از حق خود درخصوص بانک رفاه دفاع می
کنند و سرسوزنی کوتاه نخواهند آمد:

واقعا در این مصوبه آنچه حق الناس نادیده انگاشته شده که انسان نمی‌تواند باور کند، منکه واقعا از این همه غیر منطقی بودن و غیر
شرعی بودن این مصوبه، به وحشت افتادم. لطفا در نظر بگیرید که این مصوبه توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی که داعیه اسلامی
و شعی بودن را دارند تصویب شده است، برآستی این نمایندگان چگونه میتوانند اینچنین تصمیم بگیرند و چنین لایحه‌ای را تصویب
کنند!!!! حضرات محترم چه چیزی برای شما در خصوص اینکه اموال این بانک متعلق به کارگران است مبهم است؟! اثبات این امر
اصلا کار دشواری نیست و به راحتی و در کمترین زمان ممکن امکان پذیر است، خوشبختانه اسناد تاریخی، مکتوب و غیر قابل انکاری
در این خصوص وجود دارد که هیچگونه خدشه‌ای بر آنها وارد نیست، کافی است کمی به خودتان زحمت بدهید و بروید بررسی کنید
تا اثبات این امر برایتان روشن و آشکار شود. همچنین برایتان محرز شود که ربالی از سرمایه این بانک متعلق به دولت نیست حضرات
محترم باید به شما یاد آوری کنیم که اکثر قیبه به اتفاق شما مسلمان هستید و شیعه و نماینده مردمی مسلمان و شیعه در مجلس شورای
اسلامی و بر مرید مولا علی (ع) بودن فخر می‌فرشید و لطفا بروید و ماجرای خاموش کردن شمع بیت المال توسط مولا علی (ع) را که برای
۲ تن از بهترین یارانش انجام داد به دقت مرور کنید تا متوجه این حق الناس بزرگ شوید حق الناسی که دامنه وسعتش بیش از نصف
جمعیت کشور یعنی بالاتر از ۲۲ میلیون نفر را در بر می‌گیرد. بیایید تا دیر نشده با ارائه یک لایحه با قید ۲ فوریت این اشتباه را جبران کنید.
لطفا بدون هیچگونه فوت و وقت، صدای جماعت مظلوم و محروم، کارگر و بازنشسته را گوش کنید، به هوش باشید و توجه نمائید که زمان
بسرعت در حال سپری شدن است فردا برای جبران خیلی دیر است. جداسازی بانک رفاه از بدنه سازمان تأمین اجتماعی خطرات
و عواقب وخیم و غیر قابل جبرانی برای کشور و کارگرها و بازنشستگان به همراه دارد، به توصیه‌های نخبگان و دلسوختگان وریش
سفیدان، جامعه کارگری و بازنشستگان گوش فرادهید.

لطفا از جامعه هدف خود بازمانید!

در اینجا روی سخنم با تشکلات کارگری و بازنشستگی بویژه خانه کارگر و اتحادیه پیشکسوتان و کانون عالی بازنشستگان می‌باشد
بزرگان و نخبگان جامعه کارگری و بازنشستگان نیک میدانند که جداسازی بانک رفاه از پیکره سازمان تأمین اجتماعی چه فاجعه عظیمی
را زخم خواهد زد و آینده این صندوق بین النسل را به معنی واقعی کلمه به مخاطره خواهد انداخت و باعث ایجاد یک ابر بحران
در جامعه خواهد شد، آنها بخوبی می‌دانند که واگذاری این بانک مصداق بارز حق الناس است که خداوند متعال به هیچ عنوان از آن
نخواهد گذشت. عزیزان و بزرگان تشکلات کارگری و بازنشستگی، اکنون بیش از هر زمان دیگری مسئولیت شما سنگین تر و بزرگتر است
این حق مسلم جامعه هدف شما به جد به خطر افتاده است. و شما بیشتر از همه متوجه عواقب فوق العاده خطرناک آن هستید، این
شما هستید که میتوانید بهتر از هر کسی این علم احقاق حق را برافراشته نگه دارید و مسرانه و مجدانه و با تمام توان این حق را از
نمایندگان مجلس و دولت مطالبه و پیگیری نمایید، خواهش میکنم به هوش باشید که از جامعه هدف خود در این خصوص عقب نمانید.

نگاه روز

فرخوان مدیر مسئول

حسن صادقی

بانک رفاه باید برای کارگران باقی بماند

با اتحاد، می‌نویسیم؛ با ایستادگی، حق خود را می‌ستانیم

تا حق خود نگیریم آرام نمی‌نشینیم. در جهت احقاق حق خود و بازپس گیری بانک رفاه به هیچ
وجه کوتاه نمی‌آیم.
واگذاری بانک رفاه محکوم است، این بانک غصب شدنی نیست.
جامعه کارگری شاغل و بازنشسته، تمام قد در پوش امضای طومار اعتراضی جهت بازگرداندن
بانک رفاه کارگران به دامن تأمین اجتماعی، حضور یابند و مانع از تعرض به اموال سازمان تأمین
اجتماعی که متعلق به کارگران و بازنشستگان است، شوند.
سازمان تأمین اجتماعی، خانه شماست؛ بانک رفاه باید به خانه برگردد، دلیل تأخیر در واریز حقوق
و معوقات بازنشستگان، واگذاری بانک رفاه کارگران است.
قابل توجه کارگران شاغل و بازنشسته، از کارافتادگان، بازماندگان و مستمری بگیران سازمان تأمین
اجتماعی استان تهران.

به اطلاع کارگران شاغل و بازنشسته، از کارافتادگان، بازماندگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی
استان تهران می‌رساند طومار اعتراضی خطاب به آقای قالیباف ریاست مجلس شورای اسلامی
جهت بازگرداندن بانک رفاه کارگران به دامن تأمین اجتماعی از مراسم گرامیداشت سالروز تأمین
اجتماعی (۲۵ تیرماه ۱۴۰۴) در محل خانه کارگر نصب و هم اکنون نیز ادامه دارد کارگران شریف
شاغل و بازنشسته استان تهران به همراه خانواده‌های خود در حال مراجعه جهت امضاء و مشارکت
در پوش "نه به واگذاری بانک رفاه کارگران" هستند.
خانه کارگر و اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری با تکیه بر همبستگی تاریخی کارگران و
بازنشستگان، و رجوع به بدنه جامعه هدف خود، از همه کارگران زحمتکش و بازنشستگان گرانقدری
که تاکنون موفق به امضای طومار اعتراضی نشده‌اند، دعوت بعمل می‌آورد تا برای دفاع از حق
مسلم‌مان، در اقدامی متحدانه و اثر بخش به همراه خانواده خود حضور یابند و با امضای طومار
اعتراضی خطاب به جناب آقای قالیباف، ریاست محترم مجلس شورای اسلامی، صدای رسای
جامعه شریف کارگری و بازنشستگی باشید و مانع از تعرض به اموال سازمان تأمین اجتماعی که
متعلق به کارگران و بازنشستگان است، شوید.

موضوع طومار:

درخواست قاطع برای بازگرداندن بانک رفاه کارگران به مالکیت قانونی و اصل خود یعنی سازمان
تأمین اجتماعی.

با امضای این طومار:

خواستار صیانت از منابع بین‌النسلی کارگران و بازنشستگان می‌شویم.
مخالفت خود را با هرگونه واگذاری غیرقانونی دارایی‌های سازمان اعلام می‌نماییم.
به تصمیم سازان کشور نشان می‌دهیم که جامعه کارگری هوشیار و متحد است. و مصمم به پیگیری
حق و حقوق خود می‌باشد.

محل حضور و امضای طومار خانه کارگر مکر، خیابان ابوریحان.

از کلیه شما عزیزان دعوت بعمل می‌آید تا با حضور پررنگ خود، نه تنها این طومار را امضاء کنید،
بلکه با اطلاع‌رسانی گسترده به همکاران، دوستان، بازنشستگان و خانواده بزرگ کارگری، و همراهی
این حرکت عدالت‌خواهانه را به اوج برسانید.

حضور شما یعنی حمایت از حقوق کارگران دپروز، امروز و فردا

گپ و گفت علیرضا محبوب دبیر کل خانه کارگر با سید مجتبی قریشیان سردبیر نشریه : ما باید توانایی های بالقوه تشکلات کارگری را به توانایی های بالفعل تبدیل کنیم



وقتی که صحبت از توانایی یا ظرفیت میکنیم شاید منظور عبارت رایج و شایع قابلیت باشد، ولی بهتر است که بگوییم توانایی که این توانایی شامل توانایی بل قوه و بل فعل میباشد. آنچه که ما بعنوان توانایی خانه کارگر از آن یاد میکنیم یک عبارت بیشتر نیست.

توانایی در خانه کارگر چه بصورت بل فعل یا بصورت بل قوه صنفی است یعنی باید کوشش های ما در جهت باروری این ظرفیت اعضای خانه کارگر، کادر خانه کارگر، اداره کننده گان خانه کارگر، هیئت های اجرایی خانه کارگر، دبیر کل خانه کارگر همه ما باید به این نکته توجه کنیم و در نظر داشته باشیم که ظرفیت هایمان را در جهت تحرکات صنفی فعال کنیم و به جریان بیندازیم.

دعوت ما از همه شاغلین و بازنشسته ها و از همه افراد امروزی و پیشکسوتان که سرمایه ماست این است که در طرز تفکر و گفتار و عمل صنفی باشند تا آن قسمت از توانایی های خانه کارگر که به بل فعل تبدیل نشده است که بخش اعظمی را هم شامل میشود به صورت فعل و عمل در بیاید. یک تشکلات صنفی با اسم فعال نمی شود و با چند تا کادر و چند نفر اداره کننده فعال نمی شود همه بدنه و راس تشکلات باید با هم حرکت کنند و عمل کنند اگر اینطور بشود فوائد زیادی برای شاغلین و بازنشسته ها خواهد داشت و آنها از این منافع منتفع خواهند شد. خواست صنفی یا موضوع صنفی از پایین

به بالا حرکت میکند، یعنی از عضو و بدنه تشکلات و هوادار و حتی کارگر یک واحد تولیدی میگوید که چه چیزی میخواهد. تشکلات این بستر را فراهم میکنند و این انسجام و هماهنگی را فراهم می آورد تا خواسته تک تک اعضا برآورده شود و منجر به نتیجه شود. نتیجه گیری آسانتر از این است که ما تصور میکنیم اما مشروط به اینکه انسجام، وحدت خود را

مسیری که در خصوص بانک رفاه در پیش گرفته شده است هم به کشور آسیب می زند و هم به مصالح و منافع کارگران
در مورد بانک رفاه این مجلس است که قانون اصلی تصمیم گیری است.

حفظ کنیم و این تمایل را در خود ایجاد و تقویت کنیم که همه ما خواست واحدی داشته و داریم و در رسیدن به مقاصد صنفی خودمان مطمئن باشیم که که هیچ مطلبی جانمی افتد در این صورت بلکه بیشتر از مقاصدمان نیز به نتیجه میرسیم.

مسیری که در خصوص بانک رفاه در پیش گرفته شده است هم به کشور آسیب می زند و هم به مصالح و منافع کارگران

در مورد بانک رفاه این مجلس است که قانون اصلی تصمیم گیری است. من زمانیکه بعنوان نماینده مجلس بودم یک دوره استیضاح گرفتم و اجرای این قانون را به تعویق انداختیم.

توانایی های ما اینقدر نبود که بتوانیم قانون را تعطیل کنیم و یا اجرای آنرا برای همیشه متوقف کنیم و آنرا مسکوت بگذاریم و یا آنرا معوق کنیم امروز تنها راه و مناسب ترین راه معوق و مسکوت کردن قانون است. در این خصوص باید طوری عمل شود که نه به منفعت جامعه کارگری آسیب برسد و نه به کشور، این مسیری که در پیش گرفته شده است هم به کشور آسیب می زند و هم به مصالح و منفعت کارگران. امروز همگی ما باید در این جهت حرکت کنیم که این قانون برای همیشه به حالت تعلیق درآید. باید این را قوت داد و تقویت کرد که با نمایندگان مجلس و دولت ریزنی و لایبگری کرد و این قانون را اصلاح کرد که این امر نیز کار بسیار زیاد و حوصله بسیار زیادی را می طلبد و باید با صبر و حوصله و شکیبایی عمل کنیم و ان شاء الله هم خداوند متعال کمک خواهد کرد چون این خواسته یک خواسته به حقی می باشد و کسانی که در مسیر اصلاح این قانون گام برمی دارند یک خواسته به حقی را دارند تعقیب میکنند.

ان شاء الله مردم و دولت هم کمک کنند برای تحقق این هدف. اگر جمع بزرگی از نمایندگان موافق تغییر قانون باشند می توانند، لایحه ای را باقی یک یا ۲ فوریت ارائه دهند و این موضوع کاملاً قابل حل است، این اصلاً موضوع لاینحلی نیست ولی شرط دارد. باید نمایندگان توجیه شوند، طرف مقابل هم اگر استدلال هایی دارد باید این استدلال ها شنیده شود و پاسخش در اختیار طرف مقابل قرار گیرد، این امر حتماً به حل مسئله کمک خواهد کرد.

حسن صادقی :

تاخیر در پرداخت معوقات فروردین به خاطر فقدان بانک رفاه است بدهی دولت به تامین اجتماعی از یک تریلیون تومان گذشت



ما به کاهش شدید ضریب پشتیبانی دچار شده ایم و نسبت بازنشستگان و شاغلین یک به یک شده است. ما باید ورودی صندوق ها را افزایش دهیم تا حق بیمه به صندوق ها برسد. در برخی استان ها ضریب پشتیبانی به شدت پایین است.

رفاه تلاش زیادی کردیم اما نمایندگان مجلس هنوز پاسخگو نیستند. امروزه تامین اجتماعی می خواهد پول بازنشستگان را بدهد اما نبود بانک رفاه باعث شده حتی معوقه فروردین متناسب سازی تا امروز پرداخت نشود.

صادقی اظهار کرد: امروزه بیش از یک تریلیون تومان تعهد دولت به سازمان تامین اجتماعی باقی مانده که باید به ما بدهند. کارگران و بازنشستگان باید همصدا شوند تا سازمان تامین اجتماعی از روزمرگی خارج شود.

وی در پایان خاطرنشان کرد: اصلاحات جرات می خواهد و باید قاطع باشد تا کارفرما و دولت با اندکی اصلاحات صدایشان بلند نشود. ما برای حل مشکل نیازمند همکاری همه گروه های کارگری و کارفرمایی و بازنشستگی و دولتی هستیم تا بتوانیم سازمان تامین اجتماعی را نجات دهیم. ما تشکلات کارگری برای نجات سازمان تامین اجتماعی اعلام آمادگی میکنیم.

مدیرعامل لایقی است و متناسب سازی را برای ما با زحمت انجام داد. منتهی باید اصلاحاتی ظرف دو سه سال آینده در سازمان رخ دهد وگرنه تا سه سال آینده تامین اجتماعی قابل نجات نخواهد بود.

رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری گفت: ما خود حامی قانون سخت و زیان آوری کارگاه ها هستیم اما اکثریت قاطع کارگاه ها هیچ اقدامی برای رفع سختی و زیان آوری نمی کنند. امروزه معاون فرهنگی کارخانه تا نگهدار و مدیران مجموعه و حتی پیش نماز یک مجموعه نیز بیمه سخت و زیان آور برای خود رد می کنند تا زودتر بازنشسته شوند. این روند نیازمند نظارت تامین اجتماعی است.

عضو هیات مدیره کانون بازنشستگان تامین اجتماعی تهران گفت: ما برای بازگرداندن بانک

پیدا کند.

صادقی گفت: ما به کاهش شدید ضریب پشتیبانی دچار شده ایم و نسبت بازنشستگان و شاغلین یک به یک شده است. ما باید ورودی صندوق ها را افزایش دهیم تا حق بیمه به صندوق ها برسد. در برخی استان ها ضریب پشتیبانی به شدت پایین است. ما باید رانندگان تاکسی های اینترنتی و کارگاه های غیر رسمی زیرزمینی و دورکاران را بیمه کنیم تا ورودی حق بیمه به صندوق برسد.

معاون دبیرکل خانه کارگر اظهار کرد: ما ۷۰ هزار نفر داریم که بازمانده غیرمنطقی است و مستمری می گیرند. افراد زیادی هستند که همسر متوفی نیز فوت کرده و تا نوه دختری در حال اخذ مستمری هستند. این روندها باید تغییر کند.

این فعال کارگری تاکید کرد: آقای سالاری

ما ۷۰ هزار نفر داریم که بازمانده غیرمنطقی است و مستمری می گیرند. افراد زیادی هستند که همسر متوفی نیز فوت کرده و تا نوه دختری در حال اخذ مستمری هستند. این روندها باید تغییر کند.

رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری گفت: امروزه بیش از یک تریلیون تومان تعهد دولت به سازمان تامین اجتماعی باقی مانده که باید به ما بدهند. کارگران و بازنشستگان باید همصدا شوند تا سازمان تامین اجتماعی از روزمرگی خارج شود. نشست اعضای خانه کارگر و بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی به مناسبت سالروز تأسیس این سازمان در دبیرستان شهدای کارگر در تهران با سخنرانی دبیران اجرایی و مسئولان خانه کارگر و مدیرکل تامین اجتماعی غرب استان تهران برگزار شد.

در پایان این نشست، حسن صادقی (معاون دبیرکل خانه کارگر و رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری) گفت: ما قرار بود در سالروز تأمین اجتماعی مقابل مجلس به خاطر بازگشت بانک رفاه تجمع کنیم که به دلیل جنگ تحمیلی و شرایطی که صهیونیست ها تحمیل کردند، از این اقدام صرف نظر کردیم. امروزه ناترازی تامین اجتماعی بیشتر شده و علت تاخیر چند روزه سازمان تامین اجتماعی در پرداخت مستمری پس از عید، به خاطر فقدان بانک رفاه است که واگذار شده. بحث تهاتر حق بیمه در اینجا برای رفع ناترازی مطرح است.

وی افزود: در یونان هم بحران ورشکستگی صندوق های بازنشستگی به وجود آمد و برای جلوگیری از آن ۴۷۰ میلیارد یورو وام به این کشور توسط اتحادیه اروپا داده شد. در یونان مشکل حل نشد و حقوق بازنشستگان نصف شد. اگر نخواهیم در ایران چنین اتفاقی بیفتد، سازمان باید تحول

نشست اعضای هیات مدیره کانون بازنشستگان و مدیران کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی و درمان و بانک رفاه، استان مازندران و شرکت آتیه سازان برگزار شد:



که یک چهارم جمعیت مازندران را تشکیل می‌دهند با دریافت ماهیانه ۱۴ میلیون تومان با مشقت روزگار می‌گذرانند.

وی گفت: مشکلات این جماعت درخصوص درمان و معیشت و مسکن و بیکاری فرزندانشان بارها و بارها بیان شده و آنچه مسئولان محترم وعده می‌دهند در عمل اقدام خاصی نمی‌بینیم و آنچه در بحث عدالت اجتماعی و اقتصادی گفته می‌شود، محقق نشده است.

مدیران و مسئولان استانی حاضر در این نشست درسخنان خود برای حل مشکلات درمانی قول مساعدت دادند

را درخصوص مشکلات معیشتی و درمانی و عدم اجرای قانون الزام درمان رایگان ابراز داشته و تاکید کردند؛ شایسته نیست بازنشستگان شریفی که عمرشان صرف اعتلای صنعت و اقتصاد کشور شده امروز گرفتار مشکلات و معضلات مختلف شوند.

نصرالله دریابگی رئیس هیئت مدیره کانون بازنشستگان استان مازندران درسخنان خود ضمن تسلیت ایام شهادت سرور و سالار شهیدان امام حسین (ع) و شهدات هموطنان عزیز و سرداران، فرماندهان و دانشمندان کشورمان، اشاره به عملکرد این کانون و مشکلات متعدد بازنشستگان گفت: امروز بازنشستگان کارگری استان

اهم مشکلات بازنشستگان کارگری از جمله درمان و عدم اجرای قانون الزام درمان بررسی شد و نحوه اجرای قرارداد کانون بازنشستگان با شرکت آتیه سازان حافظ مورد انتقاد اعضای هیات مدیره و بازرسان کانون استان قرار گرفت.

نمایندگان بازنشستگان کارگری استان مازندران مراتب انتقاد خود را نسبت به عدم پرداخت به موقع حق بیمه کسر شده از حقوق بازنشستگان بابت بیمه درمان تکمیلی و بیمه عمر به شرکت آتیه سازان حافظ و شرکت فرجام پوشش اعلام کرده و خواهان پاسخگویی مسئولان و مدیران مربوطه شدند.

آنان همچنین مراتب نگرانی خود



دردهایی بی درمان!

کارگر و بازنشسته برای درمان دردهایشان التماس کنند و بگویند نداریم!

درد دوم ما؛ دخالت دولت در امورات داخلی داشته ها و تعلقات کارگران و بازنشستگان کارگری است!

بانک رفاه تحت پوشش قوانین کشور و مقررات بانک مرکزی، با هدف کمک به این جماعت شریف ایجاد شد و امروز قصد دارند این بانک را از مجموعه تامین اجتماعی جدا کنند و جالب این که به اعتراضات هیچ نهاد و سازمانی توجه نمی‌کنند! نگران عواقب این اقدام هستیم و مراتب اعتراض تشکل های کارگری و بازنشستگان شهرستان ری را به اطلاع تمام مسئولان و نمایندگان محترم مجلس رسانده ایم!

محمدعلی ترکاشوند، دبیر اجرایی خانه کارگر و رئیس هیئت مدیره کانون کارگران بازنشسته شهرستان ری هزینه های سنگین درمان؛ درد را تشدید می‌کنند! باور کنید هستند کارگران و بازنشستگانی که به دلیل مخارج گران درمان؛ بیماری را تحمل می‌کنند! درحالی که در تامین اجتماعی قانون الزام درمان رایگان داریم! خانواده هایی را سراغ دارم که با درد زندگی می‌کنند؛ مگر می‌شود؟ بلی هستند! باید خوب نگاه کرد! ۴۶ سال از پیروزی انقلاب گذشته والان نباید با وجود تشکیلات عریض و طویل تامین اجتماعی، بیمه شدگان شامل



هشدار دکتر علی حیدری کارشناس رفاه و تامین اجتماعی و مشاور عالی مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی:

اگر سازمان مجبور شود در چنین بازار آشفته‌ای سهام خود را واگذار کند، دچار زیان مضاعف خواهد شد



بیمه‌ای منجر می‌شود. از این رو باید با بانک رفاه از شمول این واگذاری مستثنی شود یا آن ضرب‌الاجل‌ها مورد بازنگری قرار بگیرند.

این شرکت‌ها و مؤسسات از جمله بانک رفاه، طی دهه‌ها و با سرمایه‌گذاری سازمان تامین اجتماعی ایجاد شده‌اند. ارزش ذاتی بالایی دارند و بسیاری از آن‌ها در قبال بدهی دولت به سازمان واگذار شده‌اند. متأسفانه ارزش این شرکت‌ها به‌روزرسانی نشده‌اند و بخاطر تورم های مزمن و سنواتی ارزش جایگزینی بالایی دارند و محل تجمع عواید سرمایه‌ای سازمان هستند و اگر اکنون در بازار عرضه شوند، قطعاً زیر ارزش واقعی‌شان به فروش خواهند رفت این در حالی است که طبق اصول اقتصادی، ارزش ذاتی این شرکت‌ها باید ملاک عمل قرار گیرد، نه صرفاً قیمت لحظه‌ای بورس لحاظ شود.

اگر قرار است از بنگاه‌داری خارج شویم، نباید با تحمیل جریمه و بار مالیاتی، سازمان را وادار کنیم که در شرایط نامناسب بازار، دارایی‌هایش را زیر قیمت به فروش برساند؛ این سیاست‌ها، به‌جای اصلاح ساختار اقتصادی، تنها ذخایر بیمه‌شدگان را بر باد خواهد داد.

بانک عامل و خزانه داری کل سازمان تامین اجتماعی عمل می‌کند.

پس از انقلاب، این بانک علیرغم اینکه متعلق به مردم و سازمان بود، اشتباه‌ها به همراه بانکهای دیگر ملی و دولتی اعلام شد بعداً با تلاش‌های زیاد، مدیریت و مالکیت آن به سازمان بازگردانده شد. اما یک اشتباه دیگر در برنامه پنجم توسعه رخ داد که به غلط مجدداً بانک رفاه را دولتی تلقی کرد و مشمول واگذاری های ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی دانستند و این نگاه غلط هنوز هم ادامه دارد و این در حالی بود که اصل ۴۴ قانون اساسی مربوط به اموال دولت است و نه اموال مردم و کارگران. در برنامه هفتم توسعه نیز ضرب‌الاجل‌هایی برای واگذاری سهام بانک رفاه و سایر شرکت‌های سازمان در نظر گرفته شده که در شرایط بحرانی فعلی، قطعاً به ضرر صندوق‌ها خواهد بود.

ضمن اینکه بازار بورس توان جذب این سهام را ندارد، اگر سازمان مجبور شود در چنین بازار آشفته‌ای سهام خود را واگذار کند، دچار زیان مضاعف خواهد شد. علاوه بر این، طبق قوانین فعلی، در صورت عدم فروش در بازه زمانی مقرر، سازمان با جریمه و بار مالیاتی نیز روبه‌رو خواهد شد. این شرکت‌ها و از جمله بانک رفاه، ذخایر ارزشمند بیمه‌شدگان و مستمری بگیران هستند و در چنین شرایطی فروش آن‌ها نه تنها سودی ندارد، بلکه به نابودی ذخایر

طبق قانون بر عهده دارد، در بودجه‌های سنواتی پیش‌بینی و پرداخت کند. در مورد بدهی‌های گذشته نیز، دولت می‌تواند از مسیر مولدسازی دارایی‌ها و تهاجر با اموال و دارایی‌های مازاد، بخشی از این بدهی را تسویه کند اما در حال حاضر مشکل تنها عدم پرداخت بدهی‌های دولت نیست؛ در واقع دولت نه تنها سهم خود را نمی‌پردازد، بلکه با تصویب قوانین و مقرراتی در خصوص واگذاری بانک رفاه کارگران و فروش سهام شرکت‌های متعلق به سازمان، دسترسی تامین اجتماعی به منابع داخلی خود سازمان را نیز محدود کرده است.

سازمان تامین اجتماعی در بانک رفاه، حدود ۵۰ همت سود انباشته دارد که به دلیل همین قوانین، از دسترس سازمان خارج شده است، اگر دولت نمی‌تواند بدهی‌هایش را نقد بپردازد، دست‌کم باید اجازه دهد سازمان از اموال و دارایی‌های خود برای تامین مالی استفاده کند.

بانک رفاه در سال ۱۳۳۷ از محل منابع بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران با این هدف که به‌عنوان محل به جریان انداختن ذخیره ها و اندوخته های بیمه ای سازمان عمل کند، تأسیس شد. این بانک یک کارکرد خزانه‌داری و مأموریتی نیز برای سازمان داشته است، چراکه منابع تامین اجتماعی اموال دولتی نیست که منابع آن به حساب خزانه واریز شود. در واقع، بانک رفاه به مثابه بانک مرکزی و

سال‌هاست که سازمان تامین اجتماعی بانک رفاه را با مالکیت صددرصدی در اختیار دارد و از آن به عنوان بازوی اصلی صندوق خود در امورات مالی بهره‌گیری می‌کند این درحالیست که این صندوق، طبق احکام برنامه هفتم توسعه، موظف به واگذاری سهام این بانک شده؛ اگر سازمان مجبور شود در چنین بازار آشفته‌ای سهام خود را واگذار کند، دچار زیان مضاعف خواهد شد چراکه بانک رفاه، ذخایر ارزشمند بیمه‌شدگان و مستمری بگیران است و در چنین شرایطی فروش آن‌ها نه تنها سودی ندارد، بلکه به نابودی ذخایر بیمه‌ای منجر می‌شود.

دولت به سازمان تامین اجتماعی بدهی انباشته هزار همتی دارد، در بند ۴ سیاست‌های کلی تامین اجتماعی گفته شده است که دولت باید از ایجاد و انباشت بدهی به صندوق‌های بیمه گر اجتماعی جلوگیری کند. دولت به سازمان تامین اجتماعی، یکپهزار همت (هزار میلیارد تومان) بدهی دارد که در چنین شرایطی سازمان برای عمل به تعهدات بیمه‌ای خود به این منابع نیاز فوری دارد و باید راه‌حلی عملی و اجرایی اندیشیده شود که نه برای دولت بار غیرقابل تحمیلی ایجاد کند و نه منجر به زیان بیشتر سازمان تامین اجتماعی و خسارت بیمه شدگان و مستمری بگیران شود.

برای اینکه دولت بتواند از انباشت بدهی به صندوق‌ها جلوگیری کند، پیش از هر چیز باید سهم بیمه‌ای خود را که

دکتر سید علی جمالیان ریاست محترم بیمارستان شهید دکتر لواسانی، متخصص قلب و عروق و فوق تخصص داخلی قلب وفلوشیب مداخله ای قلب و عروق. دریک محیط صمیمی و دوستانه در دفتر کار خود با سید مجتبی قریشیان سر دبیر نشریه به گفتگو نشست:

حفظ و ارتقاء سلامتی همه افراد جامعه برای ما بسیار مهم است

همه افراد جامعه به ویژه کارگر ها و کارمندان برای ما عزیز هستند

ولی بخاطر عرق سازمانی که داریم کسانی که بیمه شده و بازنشسته سازمان تامین اجتماعی هستند برای ما دوچندان عزیز هستند، تاکید میکنم که همه هم وطن های ما برایمان عزیز و گرامی هستند و رسالت جامعه پزشکی حفظ و ارتقاء سطح سلامت کلیه افراد جامعه است، لذا براساس تخصص و تجارب خودم، بر خود واجب می دانم که توصیه هایی برای حفظ سلامتی برای این عزیزان و کلیه افراد جامعه داشته باشم. یک چیزی که در دهه های اخیر و در تمام دنیا اتفاق افتاد، این بود که یک تحول بزرگی در نظام و ساختار بیمارها بوجود آمد. اگر ملاحظه کنیم در چند دهه ی قبل تمام، مرگ و میر ها در اثر بیماریهای عفونی، سیل، زلزله، جاذم و از این جور چیزها بود ولی با پیشرفت علم و رعایت بهداشت و بهبود وضعیت عمومی بهداشت جوامع، بخش بزرگی از بیماریهای واگیر دار و عفونی با رعایت توصیه های بهداشتی و با استفاده از آنتی بیو تیک ها کنترل شده یا کاملاً مرتفع شده است.

فشار خون و دیابت و چربی خون بالا و بیماریهای قلبی و عروقی حاصل تغییر سبک زندگی و تغییر در عادات تغذیه است:

اما از طرفی زندگی ماشینی و تغییر ساختاری که در دنیای توسعه یافته از جمله کشور ما که به هر طریق در حال طی کردن پله های توسعه می باشد، اتفاق افتاده، بیماری شهر نشینی است و این بیماری چیزی نبود جز، بیماریهای قلب و عروق و فشارخون. روش زندگی ما تغییر کرد و عوض شد. روش زندگی که در چند دهه ی قبل وجود داشت خیلی برای سلامتی ما مفید بود مثلاً نسلی مثل ما ویا مسن تر ها همه ی دوستان درکوجه جمع میشدیم و با یک توپ پلاستیکی

ساده حداقل نیم تا یک ساعت ورزش میکردیم و این اثر بسیار مهمی برای حفظ سلامتی ماداشت. ولی با توجه به سبک زندگی آپارتمانی الآن آن شرایط وجود ندارد، در قبل خیلی از وقت ها ما خیلی از مسیرها را با پای پیاده و یا با دوچرخه طی میکردیم ولی الآن فعالیت فیزیکی ما نسبت به قبل خیلی کاهش پیدا کرده و کم شده است و از طرفی استرس ها و همچنین آلودگی هوا و ترافیک خیلی بیشتر شده و اینها هم در مصرف غذا تغییر پیدا کرده و کسر قابل توجهی از مردم بویژه جوانان به مصرف فست فود ها گرایش پیدا کرده اند و اگر دقت کنیم، درمی یابیم که مصرف غذاهای سنتی ما، در نسل جوان کاملاً رنگ باخته است و ما هم که در میانسالی هستیم و یا شماها که مسن تر و بازنشسته های جامعه هستید، وقتی که یک روز جمعه و یا یک روز تعطیل همه به منزل شما (پدر بزرگ ها و مادر بزرگ ها) می آیند مجبور هستید که که بخاطر نوه هایمان غذای فست فودی را که مورد علاقه آنهاست را تهیه کنید ولی در زمانهای قبل تر وقتی که به خانه پدر بزرگ ها و یا مادر بزرگ ها می رفتیم غذاهای سنتی مثل آبگوشت یا قورمه سبزی و یا آش رشته بود که تک تک مواد غذایی بکار رفته در آنها کاملاً برای بدن مفید بود و هیچکدام از آنها به سلامتی برای بدن صدمه نمی زد.

ما اسیر یک زندگی توسعه یافته و ماشینی شده ایم:

فست فود ها و غذاهای سرخ کردنی و غذاهایی که از پیش آماده شده اند مواد نگهدارنده بکار رفته در بعضی از مواد غذایی، همه اینها باعث شده که سلامتی ما میانسالیها و بازنشسته ها تحت الشعاع این نسل جوان قرار بگیرد. یعنی اینکه ما اسیر این زندگی توسعه یافته و ماشینی شده ایم



الآن بیماری های فشارخون و قندخون بالا (دیابت) و چربی خون بالا باعث شده که سکنه های قلبی و مغزی در همه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه از جمله کشور ما، زیاد شده و بازنشسته های ما از همه اقشار جامعه بیشتر در معرض این خطرات قرار دارند. از سوی دیگر با توجه به اینکه وضعیت کلی بهداشت جامعه بهتر شده و بیماریهای عفونی از بین رفته یا کنترل شده و کیفیت تغذیه در جامعه ارتقاء پیدا کرده، طول عمر و امید به زندگی نیز افزایش پیدا کرده است یعنی اگر در چند دهه قبل میانگین عمر و انتظار ما از حیات زیر ۷۰ سال بود ولی الآن به بالای ۷۵ سال افزایش پیدا کرده است و وقتی که سن بالا می رود، بیماریهای مزمن و بیماریهای قلبی و عروقی خودش را بیشتر نشان می دهد و همه اینها که گفتیم اهمیت موضوع را دوسد چندان می کند.

توصیه های آقای دکتر، از جنس طلاست:

و وقتی که ما به یک بیماری مبتلا شدیم پیگیری درمان به جای خودش اهمیت زیادی دارد ولی آنچه که از اهمیت خارق العاده ای برخوردار است رعایت اصول پیشگیری است همه عزیزان حتما شنیده اند که پیشگیری و رعایت آن جهت عدم ابتلا به بیماری یک اصل است (پیشگیری مهمتر است از درمان). دانشجویان پزشکی دوست دارند تا زودتر به بحث

درمان برسند و پزشکان دوست دارند تا مریض ها را درمان کنند، من با وجود اینکه یک پزشک و فوق تخصص و یک مدیر هستم همیشه علاقه بیشتری به پیشگیری داشته و دارم و در کنار درمان به پیشگیری هم خیلی اهمیت میدهم لذا بعنوان یادگاری چند توصیه بسیار مهم برای کلیه افراد بویژه عزیزان مسن و خانواده بزرگ بازنشسته ها دارم.

۱- باینده حتما حداقل روزی نیم ساعت پیاده روی را سرمشق و سر لوحه کار خودمان قرار دهیم و آنرا برای خودمان تبدیل به یک عادت کنیم. و در این خصوص کاملاً مصمم و جدی باشیم.

۲- اگر می خواهیم خریدی را برای خود یا خانواده انجام دهیم پیاده برویم و پیاده برگردیم.

۳- اگر دچار افزایش وزن هستیم حتما رژیم بگیریم و، ورزش کنیم و این افزایش وزن را از بین ببریم.

۴- اگر فشارخون بالا داریم حتما با رعایت رژیم غذایی مناسب و کم نمک و انجام فعالیت های مناسب بدنی و مصرف درست و به موقع داروهای که توسط پزشک معالج تجویز شده فشارخون خود را کنترل کنیم.

۵- اگر دیابت یا قند خون بالا داریم حتما با رژیم غذایی مناسب و ورزش و مصرف درست و به موقع داروهای که توسط پزشک معالج تجویز شده قندخون خود را کنترل کنیم.

۶- اگر اهل سیگار و مصرف دخانیات هستید حتما و خیلی سریع آنرا ترک کنید و کنار بگذارید.

۷- اگر اهل ورزش نیستید، ورزش کردن را حتما به عنوان یک اصل و یک ضرورت در نظر بگیرید، و خود را مقید به ورزش کردن

کنید و اعضای خانواده را نیز به اینکار تشویق کنید و این اصل مهم و ضروری را به آنها القاء نمایید.

۹- اگر در زندگی استرس دارید سعی کنید آنرا مدیریت کنید و بر آن غلبه کنید اگر نتوانستید استرس خود را از بین ببرید از روانشناس یا روانپزشک برای مدیریت استرس خود کمک بگیرید و آنرا درمان کنید. عزیزان توجه بفرمایید که با رعایت این چند توصیه ساده من قول می دهم که ۷۰٪ الی ۸۰٪ خیلی از بیماریها قابل پیشگیری است و پیشگیری همه بهتر از درمان است و بر آن مقدم است.

بفرمائید طبابت مشکل تر است یا مدیریت :

من از ۲۶ سالگی که پزشک عمومی بودم با کار مدیریتی اجین شدم و با همه سختی هایی که، کار مدیریتی دارد اعتقاد دارم که یک مدیر خوب چقدر میتواند برای خود و برای سایر کارکنان و مریض ها و همچنین دریافت کنندگان خدمات مفید و موثر واقع شود. دریک مدیریت خوب شما می توانید بجای تحمل سختی ها یک آرامش خاطری را به همکاران و خدمات گیرندگان هدیه بدهید. یک مدیر خوب و لایق این هنر را دارد که تهدیدها را به فرصت تبدیل کند و در برخورد با تهدیدها و مشکلات موضع عاقلانه و منطقی اتخاذ کند درواقع میتوان گفت که مدیریت و طبابت دو روی سکه هستند.

من در بیمارستان شهید لواسانی بالغ بر ۱۶ الی ۱۷ سال است که بعنوان مدیر ارشد این مجموعه خدمت میکنم هر روز صبح که در محیط کارم حاضر میشوم این احساس خوشایند را دارم که وجود متمر ثر است و سعی میکنم که با انجام مدیریت صحیح در مجموعه کاری خودم این حس را به سایر همکاران نیز القاء کنم تا بتوانیم به رسالت خود که کمک به مجموعه درمان کشور است بخوبی عمل کنیم.

دل نوشته یک جراح چشم پزشک که حکایت از همت بلند معلمان سرزمینم دارد و نشان دهنده

چهره زشت و کفریه فقر است

خواستم پیروم نسبت شما؟

چشمم به پسرک افتاد که با پشت آستین اشکش را پاک می کرد، لذا نپرسیدم!

پسرک را برای ریختن قطره و آماده شدن جهت معاینات تکمیلی به اتاق مجاور فرستادم تا با خیال راحت پاسخ سئوالات و فضولی های گل کرده ام را بجویم.

عمل شروع درمان است، بخاطر دیابتش باید تحت نظر باشد و کارهای لازم روی شبکه انجام شود، چرا اینقدر دیر مراجعه کردید؟!

پدر و مادرش؟!

نسبت شما با او؟!

همراهش گفت: این پسر در فقر مطلق است، پدرش فوت شده و خانواده به سختی توان سیر کردن شکم فرزندان را دارند.

نسبت قومی با او ندارم، معلمش هستم.

چند روزی مرخصی بدون حقوق گرفتم تا پی درمان او باشم.

برای لحظه ای خشکم زد، زمان، لحظاتی برایم متوقف شد!

گفت هزینه اش؟!

گفتم مشکلی نیست،

با خودم ... !

در دلم حس تحسین به همت بلند این معلم جوان بود و بر دستانم شرمی

به افتخار تمام معلمان عزیز کشورم ایران:

از خوزستان آمده بود. سلام کرد و پشت اسلیت نشست. جواب سلامش را گفتم و به معاینه مشغول شدم.

دید چشم چپش در حد درک نور، کاتاراکتی بسیار پیشرفته داشت!

سن ات چقدره؟! چه مدتی به چشم اینجوری شده؟!

۱۶ ساله، از بچگی دیابت داشتم، چند ماهیه که کلاً نمی بینم!

به جوان همراهش که ۱۰ - ۱۲ سالی بزرگتر از او بود رو کردم: چرا اینقدر دیر؟

سرش را پایین انداخت و گفت: حالا می شه کاری براش کرد؟!

گفتم عملش می کنم، موفقیت در درمان بستگی به وضعیت شبکه دارد. زودتر آورده بودید شانس موفقیت بیشتر بود.

نگاهی حسرت بار به پسرک کرد و نگاهی به برگه پذیرشی که برایش می نوشتم، سئوالش را از چشمان نگرانانش خواندم!

گفتم پذیرش را برای بیمارستان دولتی نوشتم. هزینه زیادی ندارد نگران نباشید.

انگار دنیا را به او داده باشند، گفت خدا خیرت بده آقای دکتر

گفتم فقط عمل ایشان خاص است و باید برای عمل رضایت مخصوص بدهید، خودش و ولی او ...

گفت غیر از من کسی همراهش نیست!

که قلم را روی برگ پذیرش به حرکت درآورد!

نوشتم

رایگان!

فردا روز عمل شد و از اقبال خویش لنز مرغوبی که از قبل داشتیم و مناسب بود، در چشمش گذاشتم.

ذهن مشغول او بود و فکرم در گرو روح بزرگ انسان هایی گمنام و امروز عصر که پانسمان از چشمش بر می دارم ... پانسمان را برداشتم، آرام و ترس چشمش را باز کرد. سری در اتاق گردانید و بعد آن نگاهی به من و نگاهی به جوان همراهش: آقا دارم می بینم، آقا دارم می بینم.

اشک آقا معلم سرازیر شد. با سر و چشم نگاهی به من انداخت و زیر لب گفت تشکر و پسرک را بغل کرد و سرش را بوسید.

موقع رفتن گفت: خدا را شکر که شما راه ما گذاشت تا چشم این پسر ...

اشتباه می کرد. در این وانفسایی که کمتر خبر خوبی از جایی می رسد، خدا او را سر راه معلمش گذاشته بود تا منجی چشم پسرک باشد!

عشق یعنی نان ده و از دین مپرس

در مقام بخشش از آیین مپرس

من، دکتر سید محمد میر هاشمی، شهادت می دهم که معلمان مهربان ترین و صادق ترین قشر جامعه ما هستند.

حسن صادقی رئیس اتحادیه پیشکسوتان و معاون دبیر کل خانه کارگر با سید مجتبی قریشیان سردبیر نشریه دریک گپ و گفت صمیمی شرکت کرد (این گفتگو در ۲۲ تیرماه انجام شده است):

است که یک ضلعش واگذاری بانک رفاه و یک ضلع آن معوقه حقوق فروردین ماه و ضلع دیگر آن موضوع درمان می باشد که هر سه را تحت عنوان عمده ترین و بزرگترین مشکلاتی که با آن مواجه هستیم در ۲۵ تیر ماه فریاد میزنیم. لکن نوک پیکان موضوعات و مطالبات ما بانک رفاه است، بانک رفاه باید به دامن تامین اجتماعی برگردد، اگر بامصلحه برگردد که فبهاوگره ما علی رغم میل باطنی خود ناگزیر هستیم که با قدرت جامعه کارگری و بازنشستگان اینکار را محقق کنیم و امیدوارم که چنین روزی اتفاق نیفتد و عقلای قوم این حرف منطقی ما را بپذیرند و این حق را برای ما قائل باشند که این بانک متعلق به جامعه کارگری و سازمان تامین اجتماعی میباشد و باید اموال جامعه کارگری حفظ شود و از آن صیانت و حمایت شود، و بانک را سریعاً به صاحبان اصلیش که کارگران و بازنشستگان و سازمان تامین اجتماعی می باشد برگردانند، ما در ۲۵ تیر و در قالب مذاکرات کار را دنبال خواهیم کرد، نشست هایی را با مسئولین و با نمایندگان و افراد موثر خواهیم داشت تا آنها واسطه کار شوند و کار را در جریان اصولی خودش قرار دهند و اگر اینکار را انجام ندهند علی رغم میل باطنی خودمان اینکار را با توان کارگرا و بازنشستگان انجام خواهیم داد.

بانک را عودت میداد، ولی الآن به واسطه این واگذاری عملاً این مسیر مسدود شده و اثراتش را ما در نحوی پرداخت حقوقها و معوقه حقوق فروردین ماه مشاهده میکنیم و بر ایمان ملموس است. لذا مشکل اول ما بانک رفاه است که امروز ما با آن مواجه هستیم و از این ناحیه واقعا احساس خطر میکنیم، با توجه به فضای کشور که نمی شود دست به تجمعات بزرگ زد ما باید از طرق مختلف مثل نامه نگاری، مصاحبه و ارتباط با نمایندگان مجلس به خصوص در روز ۲۵ تیر این مسئله را دنبال کنیم و از نمایندگان بخواهیم که در قالب یک ماده واحده و طرح دوفوریتی بانک رفاه را هم ذیل بند ۶ ماده ۲ قانون نحوی اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی ببیند و بانک رفاه را از واگذاری استثناء کنند. مجدداً تاکید میکنم که به هیچ وجه این بانک دولتی نبوده و نیست، به این ترتیب بانک رفاه یکی از دغدغه های اصلی ماست و از نکات بسیار مهمی است که با آن مواجه هستیم. دغدغه بعدی ما این است که باید همگی صدایمان را بلند کنیم تا معوقه حقوق فروردین ماه که تاکنون پرداخت نشده را دریافت کنیم. که این هم نشأت گرفته از همین موضوع است که باید ان شاء الله حتماً محقق شود و دغدغه سوم ما مشکلات درمانی است که وجود دارد.

بانک رفاه باید و بدون چون و چرا به دامن تامین اجتماعی برگردد:
مشکلات و معضلات ما مثالی



اسلامی دولت پیشنهاد دهنده بود و مجلس هم تصویب کرد. امروز علی رغم اینکه سازمان تامین اجتماعی سرمایه بانک رفاه را تامین کرده است ولی کنترل آن در دست وزارت امور اقتصادی و دارایی میباشد، اوست که مدیر عامل این بانک را تعیین میکند، اوست که مجمع عمومی برگزار میکند و اوست که ریاست مجمع را برعهده دارد. ماعلاً آثار اینکه این بانک از کنترل سازمان تامین اجتماعی خارج شده است را در تأخیر در پرداخت حقوق ها مشاهده میکنیم، چون میدانستیم که سازمان تامین اجتماعی برای اینکه خواسته جامعه کارگری را محقق کند. از بیستم هرامه پرداخت حقوق هارا شروع میکرد. می رفت و خط اعتباری از بانک رفاه دریافت میکرد (وام میگرفت) و حقوق هارا پرداخت میکرد و قتیکه در انتهای هر ما کارفرمایان حق بیمه خود را به سازمان پرداخت میکردند، وام دریافت شده از

دادگاه انقلاب برای من شد و من با سند از زندان اوین آزاد شدم، این مسیر را اگر بقیه حمایت کرده بودن اگر مدیر عامل وقت تامین اجتماعی حمایت کرده بود اگر کانونهای مترطب با جامعه کارگری و بازنشستگی حمایت کرده بودند شاید موضوعی تحت عنوان بانک رفاه از ذیل بند ۶ ماده ۲ قانون اجرای سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی خارج نمی شد. ولی در مقابل همه ماندند و نگاه کردند و زندان رفتن من را به نظاره نشستند، بسیاری از اینکه این اتفاق برای من افتاد خوشحال بودند. این عدم تحرک باعث شد که بانک رفاه از تحت کنترل سازمان تامین اجتماعی خارج شود و بانک متعلق به جامعه کارگری و سازمان تامین اجتماعی است یک بانک دولتی متصور بشود و سهامش را عرضه کنند به بخش خصوصی در حالیکه قانوناً و شرعاً حق چنین کاری را نداشتند، کی اینکار را انجام داد؟ مجلس شورای

تشکلات کارگری و بازنشستگان روزبه روز از مشکلات سازمان کاسته شود و موجبات ماندگاری و بالندگی سازمان بیش از پیش فراهم آید.

ماندگاری سازمان تامین اجتماعی در گروه حساسیتی است که جامعه هدف باید نسبت به سازمان داشته باشد:
جامعه هدف که کارگران و بازنشسته ها می باشند، بایستی که سازمان تامین اجتماعی را متعلق به خودشان بدانند آنها باید بدانند و توجه داشته باشند هرگاه که سازمان تامین اجتماعی شکست بخورد این شاغل و بازنشستگان می باشد، اگر سازمان تامین اجتماعی بشکند این کارگران و بازنشسته ها هستند که همراه سازمان تامین اجتماعی میشکند و اگر سازمان تامین اجتماعی بقاء و دوام و استمرار داشته باشد این دوام و بقاء باعث دوام و بقای کارگران و بازنشستگان خواهد شد، لذا باید همه ما نسبت به حفظ اموال و دارایی های سازمان تامین اجتماعی حساس باشیم. امروز بخش بزرگی از دارایی سازمان تامین اجتماعی که بانک رفاه می باشد در معرض تهدید و خطر منفع شدن از بدنه سازمان تامین اجتماعی قرار دارد در سال ۱۴۰۱ سیاستی که من با اجتماعات در مقابل مجلس از خودم نشان دادم که منتج به صدور رای ۲ سال حبس تعزیری و تعلیقی توسط

نشریه اتحادیه، یک نشریه جامع المطالب:
این نشریه مختصات یک نشریه ژورنالیست را، دنبال میکند و امیدوارم که این روند روبه رشد همواره استمرار و ادامه داشته باشد و ما شاهد اطلاع رسانی بهتری در عرصه مطالبات و ایجاد و حفظ وحدت در جامعه کارگری باشیم و این نشریه بتواند در تشکلات کارگری نقش آفرین و مؤثر باشد و در انتقال مطالب به اعضای اتحادیه و جامعه کارگری نقش مهمی را ایفا کند. به نظر میرسد که امروز ما باید خودمان را مقید به این بدانیم و تلاش کنیم تا نشریه را از هر حیث مؤثر واقع شود و در مسیر درست خودش گام بردارد و مطالبه گر باشد و در جهت دفاع از حق و حقوق کارگران و بویژه بازنشستگان تمام تلاش خودش را، انجام دهد و به وظایف خود بخوبی عمل کند. آنچه که امروز در آستانه ۲۵ تیرماه سالروز تاسیس تامین اجتماعی محور گفتگوی ماست، البته جا دارد قبل از هرگونه بحثی سالروز تاسیس تامین اجتماعی را به مدیر عامل و سایر مدیران و کارکنان که تلاش و فوری را برای محقق شدن آرمانهای سازمان معطوف می دارند و همچنین خودمان و کارگران و بازنشستگان که صاحب اصلی سازمان هستند تبریک و تهنیت عرض کنم، و امیدوارم که در سایه الطاف خداوند قادر و متعال و همت و عزم میران سازمان و پیگیری

آیت ا... سید مصطفی محقق داماد: امان و صد امان از جمل مرکبی که جامه قداست به تن کرده!!!

شمر و اطاعت کورکورانه اش از یزید به عنوان ولی امر و خلیفه مسلمین!



و سر ببرند. اگر خوب گوش دهید! هم اکنون صدای بچه هایی را می شنوید که در منطقه خاورمیانه سر پدرانشان را جلو چشمانشان می برند و مادرانشان را به نام خدا برده می کنند؛ جاهلانی که گرفتار جهل اعتقادی هستند. تمام ایدئولوژی های خطرناک شرقی همین بود، مگر نه این بود؟ ایدئولوژی های شرقی فاجعه آفرین، جهلی بود که با اینکه مقدس نبودند ولی خطرناک بودند. همین ایدئولوژی اگر بعد قدسی پیدا کند چه می شود؟ محقق داماد در توصیف صحنه های فاجعه عاشورا، افزود: (شمر) نشست روی سینه سیدالشهداء (ع) و گفت: x می دانم تو چه کسی هستی ولی برای خدا سرت را می برم! من در نوشته هایم نقل کردم که ابن عباس گفت: در حجر اسماعیل مکه نشسته بودم دیدم فردی دولا دولا آمد و لباس احرام خود را نشان داد و گفت: بعد از طواف متوجه شدم قطره خون

جهلش توجه دارد یا همان «جهل بسیط» یک نعمت است. این جهل خوبی است اما امان از جهلی که انسان نداند جاهل است. زمانی فکر می کردم مغول ها خیانت زیادی کردند، خون زیادی ریختند و فاجعه آفریدند. اما اینها در برهه ای احساس کردند که نمی دانند. از این رو خواجه نصیر طوسی را به استخدام درآوردند و خدماتی که در دوره مغول شد، بعد از آن بود که اینها فهمیدند چیزی نمی دانند. این استاد حوزه و دانشگاه ادامه داد: امان از زمانی که مدیریت جامعه به دست کسانی باشد که جاهلند و ندانند که جاهلند. خدا یا آن روز را برای هیچ ملتی نیار. چرا که روزگاری تلخ تر از آن برای ملت وجود ندارد که عده ای جاهل، توجه نداشته باشند که جاهلند.

از این بدتر و فاجعه آفرین تر زمانی است که کسانی جاهل باشند و ندانند جاهلند و این جهل خود را به خدا ببندند و برای خدا جاهلی کنند و به نام خدا خون ریخته

از دو کتاب «فاجعه جهل مقدس» و «در دادگاه جهل مقدس» اثر آیت الله سید مصطفی محقق داماد طی نشستی با عنوان «شب روشنگری دینی» در بنیاد موقوفات افشار، رونمایی شده بود؛ آیت الله سید مصطفی محقق داماد در این مراسم به طور اجمالی به روشنگری در مورد جهل و فاجعه ای که جهل می تواند بوجود آورد پرداخت به گفته ابن استاد الهیات و فلسفه آنچه که دانش و علم در جهان است و تمام خدماتی که بشر امروز از علم می بیند، معلول جهل است. اما کدام جهل؟ جهلی که فرد در آن متوجه باشد که جاهل است. خانم دکتر اعوانی چه خوب از قول سقراط فرمودند که: خردمند است کسی که می داند که نمی داند. چرا که آنچه تاکنون در پزشکی و تکنولوژی پیشرفت شده از سوی جاهلانی بوده که متوجه جهل خود بودند. وی افزود: جهلی که در آن، انسان به

پشه ای به احرامم بوده، طوافم چه می شود؟ گفت: اشکالی ندارد، تو که هستی؟ گفت: «شمر بن ذی الجوشنم». گفت: نامرد سر پسر پیغمبر را بریدی تردید نکردی حالا برای خون پشه ای بر احرامت تردید می کنی؟! گفت: ساکت باش! من برای خدا او را سر بریدم و به وظیفه شرعی ام عمل کردم چون از خولی امرم x اطاعت کردم. وی بیان کرد: خانم ها، آقایان! به عنوان یک طلبه کوچکی که عمرش را در الهیات

صرف کرده از من بشنوید. از من به عنوان یک موعظه یا پیشنهاد، الهیات را کم نگیرید و معرفت داشته باشید. حتی خدای بدون معرفت را بی ارزش شمارید. x به جای اعتقاد، فکر بنشانید و دیگر نگوئید، «من معتقدم» بلکه بگوئید، «من چنین فکر می کنم» x. اگر بگوئید «من چنین فکر می کنم» با دیگری هم گفت و گو خواهید کرد، اما اگر بگوئید «من معتقدم» دیگر با کسی گفت و گو نمی کنید و کسی هم با شما گفت و گو نخواهد کرد

چگونه تبدیل به همان آدمی شویم که دوست داریم؟

آن‌ها فکر نمی‌کنیم. اگر تصمیم گرفته‌اید که صبح‌ها زودتر بیدار شوید، اما شب‌ها تا دیر وقت با گوشی مشغول هستید، مشکل اصلی کمبود خواب است، نه ضعف اراده. بنابراین، به جای تلاش برای زود بیدار شدن بدون تغییر عادت‌های قبل از خواب، می‌توانید ساعتی مشخص برای کنار گذاشتن تلفن و خاموش کردن چراغ‌ها تعیین کنید. همین رویکرد را می‌توان برای سایر اهداف نیز به کار برد؛ به عنوان مثال، اگر قصد دارید وزن کم کنید اما یخچال پر از تنقلات ناسالم است، این یک مانع است که باید برطرف شود.

یکی از مهم‌ترین موانع که بسیاری از اوقات، نامرئی است، کم‌اطلاعی و فقر دانش است. حتما درباره هدف تان، شروع به مطالعه و تحقیق کنید، اگر لازم است در دوره‌های آموزشی شرکت کنید و دانش خود را بالا ببرید. خواهید دید که روند پیشرفت تان بسیار سریع‌تر از قبل شده است.

۵. انگیزه را از درون تقویت کنید.

تحقیقات نشان داده‌اند که انگیزه درونی (یعنی داشتن دلیل شخصی و عمیق برای انجام یک کار) بسیار پایدارتر از انگیزه‌های بیرونی است (مانند تشویق یا تأیید دیگران). اگر می‌خواهید مهارتی یاد بگیرید، سعی کنید دلیل واقعی خود را پیدا کنید. آیا می‌خواهید زبان انگلیسی یاد بگیرید چون دیگران می‌گویند خوب است، یا چون رؤیای شما کار کردن در یک شرکت بین‌المللی است؟ داشتن یک "چرا"ی قوی، به شما کمک می‌کند که حتی در زمان سختی‌ها مسیر را ادامه دهید.

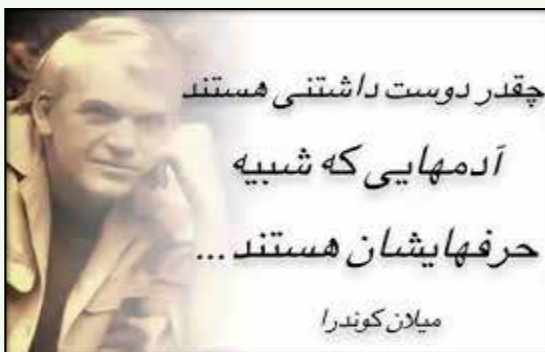
۶. خود را مسؤول بدانید.

وقتی کسی از اهداف ما خبر دارد، احتمال بیشتری دارد که به آن‌ها پایبند بمانیم. شما می‌توانید با یک دوست همراه شوید که او هم هدفی مشابه دارد، یا پیشرفت خود را در یک دفترچه یادداشت کنید. همچنین می‌توانید از روش «تعهد عمومی» استفاده کنید؛ یعنی در شبکه‌های اجتماعی یا بین دوستان خود اعلام کنید که قصد دارید عادت‌های خود را شروع کنید. این کار حس مسئولیت‌پذیری را افزایش داده و باعث می‌شود کمتر از مسیر منحرف شوید.

۷. با خودتان مهربان‌تر باشید.

تغییر همیشه آسان نیست و همه‌ی ما در مسیر پیشرفت دچار لغزش می‌شویم. مهم این است که به جای سرزنش خود، دوباره مسیر را ادامه دهیم. تحقیقات روانشناسی نشان داده‌اند که افراد موفق، هنگام مواجهه با شکست، خود را تشویق می‌کنند به جای اینکه خود را سرزنش کنند. اگر یک روز ورزش نکردید یا رژیم غذایی تان را رعایت نکردید، این به معنی شکست نیست، بلکه فقط یک توقف موقت است. انعطاف‌پذیری در مسیر تغییر، یکی از کلیدهای موفقیت است. خلاصه آن که یادتان باشد: تبدیل شدن به فردی که دوست دارید، نیازمند برنامه‌ریزی، صبر و اقدامات کوچک اما مستمر است. مهم‌ترین نکته این است که خود را در این مسیر تنها نگذارید. امسال را متفاوت شروع کنید و اجازه دهید تغییرات کوچک اما قدرتمند، شما را به نسخه‌ای بهتر از خودتان تبدیل کنند. هر تغییری که امروز شروع می‌کنید، نسخه‌ای بهتر از شما را در آینده خواهد ساخت.

گاهنامه مدیر = گاهواره دانایی



اگر عادت دارید هنگام استرس شیرینی بخورید، محرک استرس، رفتار خوردن شیرینی، و پاداش احساس آرامش موقت است. برای حذف این عادت، باید محرک را شناسایی کرده و جایگزینی برای آن پیدا کنید. مثلاً می‌توانید هنگام استرس یک جای بدون قند بنوشید یا چند دقیقه مدیتیشن کنید. همچنین، تغییر محیط و سخت‌تر کردن دسترسی به آن عادت (مثلاً نخوردن شیرینی) به شما کمک می‌کند.

نسبت به عادت‌های بد، مطالعه کنید و بر مضرات آنها واقف شوید. اگر بدانید که خوردن شیرینی چقدر سلامتی تان را به خطر می‌اندازد، رفته رفته در خودآگاه خود، نسبت به آن، حس بدی پیدا خواهید کرد و راحت‌تر می‌توانید به شیرینی، نه بگویید.

چگونه یک عادت خوب ایجاد کنیم؟

برای ایجاد یک عادت جدید، از تکنیک وابسته کردن عادت‌ها استفاده کنید. یعنی عادت جدید را به عادت‌هایی که از قبل دارید متصل کنید. مثلاً اگر می‌خواهید روزانه مطالعه کنید، می‌توانید این کار را بعد از نوشیدن قهوه صبحگاهی انجام دهید. یعنی اگر عادت‌های جدید را به آن بچسبانید؛ این طوری کارتان خیلی راحت‌تر می‌شود. همچنین، وقتی کار خوبی کردید، خودتان را تشویق کنید؛ این تشویق باعث می‌شود که این عادت ماندگار شود. تشویق می‌تواند گفتن یک آفرین و دمت گرم به خودتان باشد تا خریدن چیزی که دوستش دارید. ما آدم‌ها با تشویق خوشحال می‌شویم و انگیزه می‌گیریم، حتی اگر خودمان خودمان را تشویق کنیم.

چقدر طول می‌کشد تا یک عادت شکل بگیرد؟

تحقیقات نشان داده‌اند که شکل‌گیری یک عادت جدید بین ۱۸ تا ۲۵۴ روز طول می‌کشد، اما به‌طور میانگین حدود ۶۶ روز زمان نیاز است تا یک رفتار به عادت‌های پایدار تبدیل شود. نکته مهم این است که ثبات داشتن مهم‌تر از کامل بودن است. اگر یک روز عادت خود را فراموش کردید، مهم این است که روز بعد دوباره آن را انجام دهید و به مسیر بازگردید. مهم این است که به هیچ عنوان ناامید نشوید. شما می‌توانید حتی در همان فرض ۲۵۴ روز هم، تا پایان امسال، کلی عادت‌های خوب به گنجینه رفتاری تان بیفزایید.

۴. موانع را شناسایی کنید، به ویژه یک مانع نامرئی مهم را.

بسیاری از مواقع، تغییر نکردن ما به دلیل موانعی است که حتی به

ما فارغ از این که چند سال مان هست، فرصت زیادی نداریم که همانی شویم که می‌خواهیم. پس بدون از دست دادن حتی یک روز، سال جدید را زمینه‌ای کنیم برای تغییر و تحول در زندگی مان اما چگونه؟ هر کسی برای بهبود خویش، می‌تواند راه خود را برود و اصولاً فرمول جهانی و یکسانی وجود ندارد ولی روش‌های تجربه شده ای هست که می‌تواند به همه ما کمک کند. در این یادداشت، به شیوه‌ای علمی و کاربردی، راه‌هایی را بررسی می‌کنیم که کمک می‌کند در سال جدید به فردی تبدیل شویم که همیشه آرزو داشتید باشید.

۱. تصویر واضحی از نسخه بهبود یافته خودتان داشته باشید.

حتماً یکی از موانع بهبود ما این است که تصویر واضحی از "نسخه بهبود یافته" مان نداریم. مثلاً می‌خواهیم کتابخوان شوم ولی تصویری از "من کتابخوان" ندارم، کسی که هر روز صبح قبل از شروع کارهایش، مثلاً ۴۵ دقیقه کتاب می‌خواند. یا می‌خواهیم لاغر شوم ولی تصویری از خودم که مثلاً ۷۵ کیلو شده ام ندارم و

یکی از مهم‌ترین اصول تغییر، داشتن تصویری شفاف از چیزی است که می‌خواهید باشید. مغز ما به تصاویر و اهداف مشخص واکنش بهتری نشان می‌دهد تا ایده‌های کلی و مبهم. به جای اینکه فقط بگویید "می‌خواهم آدم بهتری شوم"، دقیقاً مشخص کنید که این "آدم بهتر" چه ویژگی‌هایی دارد. آیا می‌خواهید منظم‌تر باشید؟ مهارت خاصی را یاد بگیرید؟ روابط خود را بهبود دهید؟

روان‌شناسان توصیه می‌کنند که این تصویر را حتماً حتماً روی کاغذ بنویسید. نوشتن این تصویر ذهنی روی کاغذ و حتی طراحی یک تخته هدف می‌تواند کمک کند که به آن پایبند بمانید. مغز وقتی تصویر یا نوشته را می‌بیند، نورون‌ها را برای رسیدن به آن، سازماندهی می‌کند. این نه یک شعار، که یک امر ثابت شده علمی است.

۲. تغییرات کوچک اما پایدار ایجاد کنید.

اغلب ما تصور می‌کنیم که برای تغییر باید به‌طور ناگهانی و اساسی زندگی خود را دگرگون کنیم، اما مغز ما به تغییرات ناگهانی مقاومت نشان می‌دهد چرا که مغز دوست دارد همچنان بر مدار کنونی ادامه دهد. در عوض، تغییرات کوچک اما مداوم تأثیر عمیق‌تری در درازمدت دارند. اگر تصمیم دارید روزانه ورزش کنید، به جای دو ساعت تمرین سخت که ممکن است بعد از مدتی رها شود، با ده دقیقه و حتی فقط با یک دقیقه شروع کنید. این روش به ایجاد عادت کمک می‌کند. وقتی تغییرات کوچک به‌طور مداوم انجام شوند، مغز به آن‌ها عادت کرده و دیگر آن‌ها را سخت و چالش‌برانگیز نمی‌بیند. همین روند را می‌توان برای هر عادت‌مانند مطالعه، تغذیه سالم یا خواب منظم به کار برد.

۳. عادت‌های خود را بازبینی کنید و اصلاح کنید.

"ما، عادت‌هایمان هستیم!" درباره این جمله فکر کنید. برای تغییر واقعی، باید عادت‌های قدیمی را شناسایی کرده و جایگزین‌هایی برای آن‌ها پیدا کنیم.

چگونه یک عادت بد را رها کنیم؟

برای کنار گذاشتن یک عادت بد، باید آن را تجزیه و تحلیل کنید. عادت‌ها از سه بخش تشکیل شده‌اند: محرک، رفتار و پاداش. مثلاً،

قاعده ۹۹ چیست؟!



لطفاً قدر دان داشته‌های خودتان باشید:

پادشاهی به وزیرش گفت: دقت کردی، همیشه خدمت‌کارم از من خوشحال‌تر است در حالی که او هیچ چیز ندارد!!

و من پادشاه که همه چیز دارم، حال و روز خوبی ندارم!!؟

وزیر گفت: سرورم شما باید قاعده ۹۹ را امتحان کنید !!

پادشاه گفت: قاعده ۹۹ چیست!!؟

وزیر گفت: ۹۹ سکه طلا در کیسه‌ای بگذارید و شب، هنگام رفتن خدمتکار به او بدهید و بگویید این ۱۰۰ سکه طلا هدیه‌ای است برای تو و ببینید فردا چه اتفاقی رخ می‌دهد !!

پادشاه نقشه را آن‌طور که وزیر به او گفته بود، انجام داد....

خدمتکار پادشاه، آن کیسه را برداشت و از پادشاه بخاطر این انعام گرانها تشکر

فراوان کرد، موقعی که به خانه رسید

سکه‌ها را شمرد، متوجه شد یکی کم دارد!! پیش خود فکر کرد که شاید آن را در مسیر راه گم کرده است!!

همراه با خانواده‌اش کل شب را دنبال آن یک سکه طلا گشتند و هیچی پیدا نکردند!! خدمتکار ناراحت و ناامید به خانه برگشت!!

هزار فکر و پریشانی به سراغش آمد که این یک سکه را کجا گم کرده، با آنکه آن همه سکه‌های دیگر را در اختیار داشت!! تمام فکرش معطوف به آن یک سکه بود... روز بعد خدمتکار پریشان حال بود چرا!!؟ چون شب نخوابیده بود،

وقتی که پیش پادشاه رسید چهره‌ای درهم و ناراحت داشت، مثل روزهای قبل شاد و خوشحال نبود!!

پادشاه آن موقع فهمید که معنی قاعده ۹۹

چیست!!

آری قاعده ۹۹ آن است که داشته‌های خود را نمیبینیم و تمرکز ما بر روی نداشته‌هاست ...

و در تمام ادوار زندگی‌مان دنبال آن یک گمشده می‌گردیم و خودمان را به خاطر آن ناراحت می‌کنیم و فراموش کرده‌ایم که شاید داشته‌های ما بسیار بیشتر از نداشته‌هایمان است.

قاعده ۹۹ همان تمامیت خواهی و کمال‌گرایی افراطیست.

قاعده ۹۹، زیستن در فضای ناهوشیار است. قاعده ۹۹، عدم پذیرش واقعیت و شرایط زندگیست

پس به داشته‌هایمان بیاندیشیم و قدر آنها را بدانیم. آسایش و آرامش و رشد در فضای شکرگذاری و افکار مثبت حاصل میشود. پس شاد و پیروز باشید ...آمین .

دلیل ناترازی سازمان تامین اجتماعی عوامل مختلفی هستند که مهمترین آنها عدم پرداخت بدهی دولت به سازمان است



زمان، سن امید به زندگی ۵۸ سال و سن بازنشستگی نیز ۶۰ سال در نظر گرفته شده بود.

در حال حاضر سن امید به زندگی بالای ۷۶ سال شده که این یعنی ۲۰ سال افزایش پیدا کرده، ولی نه تنها سن بازنشستگی را مانند سایر کشورهای دنیا بالا نبرده‌ایم، بلکه برعکس، آن را با قوانینی مثل سختی و زیان آوری، نوسازی صنایع و یا بازنشستگی ارفاقی دولت دهم کاهش داده‌ایم. در کشورهای دنیا با افزایش سن امید به زندگی، سن بازنشستگی را نیز بالا می‌برند؛ این کار را نه فقط برای حمایت از صندوق‌های بازنشستگی، بلکه به جهت حفظ جمعیت فعال و افزایش نرخ مشارکت اقتصادی انجام می‌دهند.

در حال حاضر نرخ مشارکت اقتصادی در کشور ما حدود ۴۰ است و علت آن این است که ما جمعیت غیر فعال زیادی داریم.

بالا نبردن سن بازنشستگی و عدم تناسب آن با نرخ امید به زندگی، موجب کاهش نرخ مشارکت اقتصادی و ناترازی سازمان تامین اجتماعی می‌شود.

یکی دیگر از عوامل ناترازی سازمان تامین اجتماعی، بحث عدم تناسب میان نرخ امید به زندگی با سن بازنشستگی است؛ در سال ۱۳۵۴ که قانون تامین اجتماعی تصویب شد، به اقتضای آن

این مهم را هم نداریم و اکنون چیزی حدود ۳۰ درصد از جمعیت کل کشور فاقد پوشش بیمه بازنشستگی هستند؛ در حالی که به موجب اصل ۲۹ قانون اساسی باید صد در صد مردم دارای پوشش بیمه بازنشستگی باشند. یکی دیگر از عوامل ناترازی سازمان تامین اجتماعی، بحث عدم تناسب میان نرخ امید به زندگی با سن بازنشستگی است:

که تولید ملی را دچار مشکل کرده و موجب کاهش اشتغال ملی و در نتیجه آن، کاهش ورودی بیمه شدگان سازمان می‌شود؛ بحث عدم ساماندهی نیروی کار خارجی که به موجب بیمه نبودنشان، از نیروی کار ایرانی ارزان‌تر هستند، جای فرصت شغلی ایرانی‌ها را گرفته و از ورودی سازمان می‌کاهد.

بخش دیگری از مشکلات سازمان‌های بیمه‌گر ناشی از بحث حريم‌ها، عدم سرمایه‌گذاری، بازار دلالي و سفته بازی و سوداگری است که متأسفانه در کشور ما ابزارهای مقابله با این نوع اقتصاد وجود ندارد؛ یا بحث اقتصاد غیر رسمی و پنهان و سیاه است که در کشور سهم قابل توجهی دارد.

یک عاملی هم که می‌تواند ناترازی صندوق‌ها را رفع کند، بحث شکل‌گیری نظام جامع فراگیر و چند لایه تامین اجتماعی است که متأسفانه

دکتر علی حیدری کارشناس رفاه و تامین اجتماعی و مشاور عالی مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی :

اینکه سازمان‌های بازنشستگی و بیمه‌گر اجتماعی دچار عدم تعادل یا ناترازی شده‌اند، عوامل مختلفی دارد که اگر به خوبی شناسایی و اصلاح نشوند و به صورت یک جانبه و محدود به این مسائل نگاه شود، راهکارهای موثر و کارآمدی در نتیجه حاصل نخواهد شد. برای مثال، در حال حاضر معضل اصلی سازمان تامین اجتماعی، عدم ایفای تعهدات دولت در قبال سازمان به صورت نقدی و روز آمد است که در نتیجه آن، تامین اجتماعی دچار کسری نقدینگی شده و مجبور می‌شود به استقراض یا فروش اموال بپردازد که این خود نیز یک هزینه تامین مالی را به سازمان تحمیل می‌کند.

مسائل دیگری همچون قاچاق افسارگسیخته و واردات بی‌رویه

پدیده آشغال دونی متحرک!



این دو مفهوم چه تفاوتی دارند؟ مثلاً فرض کنید که ده تعریف از فرهنگ یا جامعه یا اضطراب خوانده‌اید. یا ده تئوری در مورد موفقیت فردی از ده کتاب خوانده‌اید، اگر این تعاریف یا تئوری‌ها را جمع بندی نکنید، با ذهن پراکنده به جای خاصی نمی‌رسید. در نهایت باید یک بار بنشینید و با خود جمع بندی کنید که بالاخره فرهنگ از نظر من یعنی چه؟ یا جمع بندی من از راه‌های موفقیت چیست؟ کسی که ده تعریف از فرهنگ در ذهنش دارد یا ده مسیر مختلف و گاه متضاد در مورد موفقیت ممکن است در عرصه نظر با کلاس به نظر برسد اما در زندگی عملی هیچ منفعتی نمی‌برد. اما خلاصه سازی یعنی اینکه سعی کنیم به زبان خودمان جان کلام چیزهایی که خوانده‌ایم، شنیده‌ایم، تجربه کرده‌ایم و دیده‌ایم را بنویسیم و هر از چند گاهی مرور کنیم.

انبار کردن اطلاعات نامنظم یا نامرتب یا ناتمام در ذهن یعنی اینکه ما ذهن خود را تبدیل کرده‌ایم به یک آشغال دونی و آن را با خود حمل می‌کنیم. همین باعث می‌شود که راجع به هر موضوعی حرف می‌زنیم ولی راجع به هیچ موضوعی حرف درست و حسابی نمی‌زنیم!

گاهنامه مدیر = گاهواره دانایی

داده‌اید هنر نیست. بلکه باید از خودتان پرسید که چند درصد از آنان را عمیقاً درک کرده‌اید و آن ورودی‌ها نگاه شما را تغییر داده‌اند؟ پس پادکست‌های خوب را چند بار گوش کنید، کتاب‌های خوب یا نوشته‌های خوب را چند بار بخوانید.

(۳) تقویت تفکر انتقادی (موشکافانه/سنجش گرانه)
(۴) در هشتاد درصد موارد با سوال بروید سراغ محتوا و نه بر اساس توصیه دیگران و محبوبیت و وایرال شدن و ... مطالبی که بر اساس سوال خوانده می‌شوند بیشتر در ذهن نقش می‌بندند.
(۵) جمع بندی و خلاصه سازی کنید.

کمتری نسبت به ما داشتند اما خرد و حکمت عمیق تری نسبت به ما داشتند. ما چیزهای بیشتری می‌دانیم اما لزوماً خردمندتر نیستیم!

تجویز راهبردی: چه باید کرد؟

(۱) همانگونه که رژیم غذایی دارید رژیم رسانه‌ای داشته باشید. هر آشغالی را نخورید. به جای اینکه منفعلانه در معرض سیلی از اطلاعات قرار بگیرید، فعالانه انتخاب کنید چه اطلاعاتی را از چه منابعی دریافت کنید. کانال‌های تلگرامی یا صفحات شبکه‌های اجتماعی که برایتان مفید یا الهام‌بخش نیستند را رها کنید.

(۲) برای آنکه بیشتر بدانید کمتر بخوانید/بشنوید. اینکه شما در طول سال ۱۰۰ ساعت پادکست فاخر گوش

آشغال‌های ذهنی چه شکلی هستند؟

(۱) خبرهایی که هیچ تأثیری بر زندگی ما ندارند: فلان بازیگر برای بار سوم از همسرش جدا شد!
(۲) مقایسه خود با دیگران در شبکه‌های اجتماعی: چرا من مانند فلانی به سفر نمی‌روم، سوار اسب نمی‌شوم و با جت اسکی عکس ندارم.

(۳) مطالب آرشیو شده: ده‌ها فایلی که دانلود کرده‌ایم اما نخوانده‌ایم.

(۴) محتواهای ناتمام: فیلم‌های یوتوبی که تا انتها نگاه نکرده‌ایم، کتاب‌هایی که تا آخر نخوانده‌ایم، پادکست‌هایی که تا آخر گوش نداده‌ایم.

(۵) تکه‌تکه‌های اطلاعات بی‌ربط: دنبال کردن کانال‌های متعدد با موضوعات مختلف بدون جهت‌گیری مشخص.

این آشغال‌های ذهنی منجر به این می‌شوند که بار شناختی، فراتر از ظرفیت ذهنی ما ایجاد شود. بار شناختی یعنی میزان تلاش ذهنی لازم برای انجام یک کار. آشغال‌های ذهنی (اطلاعات نامنظم یا نامرتب یا ناتمام) باعث افزایش بار شناختی می‌شوند. زیرا بخش زیادی از ظرفیت ذهنی صرف مدیریت و فیلتر کردن اطلاعات نامرتب، نامنظم و ناتمام می‌شود. آشغال‌های ذهنی شاید توضیح دهنده این پدیده باشند که قدیمی‌ها دانش

دکتر مجتبی لشکرپلوکی

نشر: گاهنامه مدیر

اگر ۳۰۰ سال پیش زندگی می‌کردیم آنگاه کل اطلاعاتی که در کل دوران زندگی مان کسب می‌کردیم چقدر بود؟ به مراتب کمتر از اطلاعاتی بود که امروزه ظرف مدت یک ماه از طریق یک روزنامه و یک شبکه اجتماعی بدست می‌آوریم.

بگذارید بر اساس آمار نگاه کنیم: در سال ۲۰۱۰، دو زتابایت اطلاعات در جهان تولید شده. پانزده سال بعد در ۲۰۲۵، تولید داده‌ها به بیش از ۱۸۰ زتابایت رسیده. یعنی در طول مدتی کوتاه ۹۰ برابر شده! برای درک بهتر این حجم، هر زتابایت برابر است با هزار میلیارد گیگابایت (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ گیگابایت)!

در گذشته به خصوص قبل از اختراع تلگراف، رادیو، تلویزیون و اینترنت، اطلاعات بسیار آهسته خلی و منتقل می‌شد. اخبار و دانش عمدتاً از طریق ارتباطات شفاهی رو در رو، نامه‌ها و کتاب‌های کمیاب منتقل می‌شدند. منابع اطلاعاتی محدود بودند و اطلاعات عمدتاً تکراری، مرتبط با زندگی روزمره و محدود به محیط جغرافیایی نزدیک فرد بودند. اما اکنون چه شده است؟ ما در دنیای مدرن با مفهومی روبرو هستیم به نام اضافه بار اطلاعاتی و همچنین ذهن پریشی

گزارش تصویری از برگزاری مراسم ۲۵ تیر سالروز تاسیس سازمان تامین اجتماعی در خانه کارگر جمهوری اسلامی



فراخوان سراسری حسن صادقی رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری
خطاب به جامعه کارگری و بازنشستگی:

■ **جامعه کارگری شاغل و بازنشسته، تمام قد در پویش
امضای طومار اعتراضی جهت بازگرداندن بانک رفاه کارگران
به دامن تامین اجتماعی، حضور یابند**

در سالروز تاسیس سازمان تامین اجتماعی آمدم تا نشان دهیم که با همه وجود از حق و حقوق خود
و سرمایه خود که در صدر آنها بانک رفاه کارگران است دفاع می کنیم و اجازه نمی دهیم
به هیچ عنوان این بانک را که با سرمایه ما تشکیل شده غصب کنند